# مسئولیت‌های انسان از دیدگاه امام زمان(عج)

**■ علی رضا فرجی**

**هر انسانی در قبال خدا، خود و جامعه مسئولیت‌هایی دارد که اگر آن‌ها را به درستی انجام ندهد خود و دیگران را در خطر قرار می‌دهد. امام زمان(عج) در دعای معروف توفیق الطاعه به بخش‌های مهم و اصلی این مسئولیت‌ها و خطرات توجه داده است.**

### اسلام، سبک زندگی واقع‌بینانه و حقیقت‌گرایانه

دستگاه و نظام اسلامی، مجموعه‌ای کامل و تمام از نظریات واقع‌بینانه و حقیقت‌نگرانه‌ای است که می‌کوشد تا از درون مرزهای واقعیت بینی، انسان را به حقیقتی برساند که کمال مطلق و مقصد غایی اوست. سبک زندگی که در این نظام ارائه می‌شود، به شدت از دو عنصر اصلی واقع‌بینی و حقیقت‌گرایی متاثر است. از این رو با درک درست واقعیت‌ها در چارچوب هدف غایی، برنامه‌ها و راهکارهای خود را ارایه می‌دهد. پس نمی‌توان موردی را یافت که به دور از واقع‌بینی و خارج از دایره غایی حقیقت‌گرایی، دستور و برنامه‌ای را ارائه کرده باشد و هرگاه موردی برخلاف این دو عنصر در آن دیده شود، یا می‌بایست در نسبت آن به اسلام تردید کرد و یا در درستی فهم خود نسبت به خروج از این محدود شک کرد و یا محمل و توجیه منطقی و عقلانی برای آن یافت. در غیر این صورت باید آن را به دور انداخت و از نسبت آن به اسلام خودداری ورزید.

نظامواره اسلامی، دستگاهی با پیچیدگی‌های موجود در هستی و انسان است، زیرا برنامه اسلامی، برنامه‌ای مبتنی بر همین پیچیدگی‌هاست و نمی توان مجزا از یکدیگر نگریست. هر قطعه‌ای از قطعات آن می‌بایست در جای خود قرار گیرد تا عملکرد مناسب و درستی از آن انتظار داشت.

از این رو در بیان هر مسئولیتی به واقعیت‌های موجود توجه داشته و نقشی را بیان می‌کند که از آن انتظار طبیعی می‌رود و می‌تواند در آن حوزه حقیقت را تحقق بخشد. هرگاه به مسئولیت فردی و اجتماعی توجه می‌دهد به خطرات آن نیز نگاهی دارد و به دور از واقع‌بینی و توانمندی و ظرفیت موجود، مسئولیتی را بر دوش شخص در حوزه فردی واجتماعی نمی‌گذارد.

بر پایه همین شرط است که همواره از اصل استطاعت سخن به میان آمده و مسئولیت‌ها در این چارچوب تعریف و تبیین و توصیه شده است. (بقره، آیه ۲۸۶، تغابن، آیه ۱۶) چرا که از هر کسی با توجه به توان و استطاعت، انتظار مسئولیت و نقش‌پذیری می‌رود و انتظار فراتر، از مصادیق ظلم می‌باشد که از نظر حکم عقل عملی قبیح است. در حقیقت، توجه به توان و وسعت هر کس و هر چیزی در ایجاد مسئولیت و نقش از اموری است که در اسلام مدنظر قرار گرفته است و هرگز نقش‌ها بیرون از وسعت، ظرفیت و استطاعت شخص یا عضو تعریف نشده است. بر این اساس اسلام را دین مبتنی بر فطرت دانسته‌اند، زیرا هر مسئولیت و نقشی که تعریف شده و هر حکمی که صادر شده مبتنی بر واقعیت‌های موجود در انسان بوده و از او چیزی فراتر از وسعت، ظرفیت، استطاعت و توان خواسته نشده است.

### نگاهی به برجسته‌ترین مسئولیت ها و خطرات آن

امام زمان(عج) با نگاهی به واقعیت انسان، مهم‌ترین مسئولیت‌ها و نقش‌های هر انسان و بلکه هر عضو انسانی و صنف انسانی را با توجه به مسئولیت‌های فردی و اجتماعی او در قبال خود، خدا، انسان و طبیعت بیان کرده است. البته از آن جایی که مسئولیت‌ها و نقش‌های هر انسانی بسیار متنوع و متعدد است، ایشان تنها به برجسته‌ترین و مهم‌ترین نقش‌ها و مسئولیت‌ها توجه داشته و به شکلی خواسته است مردم را به خطرات احتمالی آنها توجه دهد.

این مطلب را امام زمان(عج) در شکل دعای بیان می‌کند. دعایت توفیق الطاعه در حقیقت تبیین مهم‌ترین مسئولیت‌ها و نقش‌های انسان در زندگی فردی و اجتماعی در برابر خود و خدا و انسان و طبیعت است. در این دعا به شکلی بسیار زیبا، سبک زندگی مطلوب یک انسان مسلمان ارائه شده است. این سبک زیستی که از سوی امام زمان(عج) ارائه می‌شود در همان چارچوب واقعیت‌بینی و حقیقت‌نگری ارائه می‌شود.

می‌توان با نگاهی گذرا به نیایش توفیق الطاعه سه محور اساسی مسئولیت‌های انسان در برابر خود، خدا و دیگران را در دو حوزه زندگی شخصی و اجتماعی شناسایی کرد. در این دعا هر چند که به طور مستقیم از خطرات سخن به میان نیامده ولی تاکید بر مسئولیت‌ها و نقش خاص برای هر انسان، عضو و صنفی به معنای توجه بخشی به خطراتی است که در آن محتمل است.

### مسئولیت‌های انسان در برابر خدا

امام زمان(عج) چنان که کفعمی در کتاب شریف مصباح نقل می‌کند و محدث قمی در مفاتیح‌الجنان می‌آورد، در گام نخست به مسئولیت‌های انسان در برابر خداوند اشاره می‌کند و می‌فرماید:

**۱- اللهم ارزقنا توفیق الطاعه و بعد المعصیه:** خدایا توفیق طاعت خود و دوری از معصیت را به ما روزی گردان. درحقیقت مسئولیت نخست انسان در برابر خداوند است و این مسئولیت در چارچوب طاعت از خداوند معنا می‌یابد. خداوند در قرآن بارها از انسان‌ها می‌خواهد که اطاعت خود از خدا را در چارچوب دین اسلام نشان دهند؛ (آل عمران، آیات ۳۲ و ۱۳۲؛ نساء، آیه ۵۹؛ مائده، آیه ۹۲) زیرا این اطاعت زمینه‌ساز رسیدن انسان به خداوند می‌باشد و این امکان را به بشر می‌دهد تا با تخلق به اخلاق الهی و صفات و اسمای خداوندی، خدایی شده و در مقام خلافت الهی قرار گیرد و به کمال مطلق خود برسد و از نقص رهایی یابد. (بقره، آیات ۳۰ و ۳۸) البته از نظر قرآن اطاعت از خداوند در اطاعت از دین اسلام، پیامبر(ص) و اولواالامر(ع) معنا و ظهور می‌یابد. (آل عمران، آیات ۳۲ و ۱۳۲؛ نساء، آیه ۵۹؛ مائده، آیه ۹۲ و آیات دیگر) کسی که بخواهد این مسئولیت خود را در قبال خداوند به انجام رساند باید از معصیت پرهیز کند؛ زیرا عصیان نقیض اطاعت است و کسی که عصیان می‌ورزد از اطاعت سرباز می‌زند. بنابراین، بزرگ‌ترین خطر برای هر انسانی، عصیان از اطاعت است، چنان که ابلیس این‌گونه عمل کرد و موجبات لعن و رانده شدن خود را فراهم آورد. ریشه این عصیان می‌تواند تکبر و استکبار یا جهل و غرور یا هر امر دیگری باشد. بنابراین انسان باید همواره بکوشد تا گرفتار عصیان نشود و از خطر بزرگ سقوط در شقاوت و دوری از خداوند پرهیز کند. (بقره، آیه۹۳؛ یونس، آیات۱۵ و ۹۱؛ مریم، آیه۱۴)

**۲- و صدق النیه:** صداقت در نیت از دیگر مسئولیت‌های انسان در برابر خداوند است؛ زیرا اگر حسن فاعلی در کسی تحقق نیابد، عمل او هر چند که از حسن فعلی برخوردار باشد و از مصادیق عمل صالح باشد تأثیری نخواهد داشت. هر کار نیکی می‌بایست با نیت خیر و خدایی همراه باشد. از این‌رو در آموزه‌های قرآنی بر نیت خالص تأکید بسیاری شده و از انسان‌ها خواسته شده که در انجام کارهای نیک، غیر خدا را شریک نگیرند؛ چرا که در این صورت آن عمل نیک و کار خوب هیچ‌گاه بالا نمی‌رود و موجب رشد و بالندگی انسان نمی‌شود؛ زیرا عمل نیک و صالحی بالا می‌رود و انسان را می‌سازد که همراه با نیت خالص و خیر الهی باشد. (فاطر، آیه ۱۰؛ انسان، آیات۸ تا ۱۰) پس اگر کار نیک و عمل صالح با صدق نیت و خلوص و وجه‌الله بودن همراه نشود، از مصادیق شرک است و هیچ فایده و تأثیری نخواهد داشت. این خطری است که کارهای خوب انسان را تهدید می‌کند؛ چنانکه عمل ریایی نیز این‌گونه است و موجب تباهی اعمال نیک عبادی و اعمال صالح می‌شود. (ماعون، آیه۶).

**۳- و عرفان الحرمه:** مسئولیت دیگر انسان شناخت حرام از حلال است؛ زیرا هرچند که اصل، حلیت هر چیزی است و این قاعده کلی در همه زندگی بشر است؛ چون هر چیزی که خداوند آفریده خیر است و شر نیست، ولی باید توجه داشت که نسبت انسان به اشیاء و امور با نسبت آن چیز با جهان هستی متفاوت است؛ زیرا اگر هر چیزی برای خودش مفید و در وجودش خیر است، ولی نسبت به انسان می‌تواند شر و موجبات ضرر باشد. از آنجایی که بخش کوچکی از امور و اشیاء موجود در جهان برای انسان دارای ضررو زیان است می‌بایست آنها را بشناسد و از آن پرهیز کند. در حقیقت، شناخت مجموعه کوچکی از محرمات به انسان این اجازه را می‌دهد تا از آنها پرهیز کرده و خود را از آسیب‌های یقینی و یا احتمالی آن حفظ کند. اگر اصل در رانندگی حرکت در مسیر است، ولی شناخت برخی از قوانین بازدارنده و مقررات راهنمایی و رانندگی چون وجود دست‌انداز، چراغ راهنمایی، خطوط متمدد و منقطع و مانند آن می‌تواند سلامت رانندگان را در جاده تضمین کند. هرچند که برای حضرت آدم(ع) تنها یک چیز به عنوان میوه درخت ممنوع، حرام بود ولی برای ایشان و فرزندانش پس از هبوط به دنیا، اموری دیگر حرام شده است که باید آن محرمات را بشناسد و از آنها اجتناب ورزد. بنابراین، بزرگ‌ترین خطری که انسان را در برابر اطاعت از خداوند تهدید می‌کند، عدم شناخت محرماتی است که موجب عصیان، دوری و گناه می‌شود و آسیب‌های جدی به انسان وارد می‌سازد.

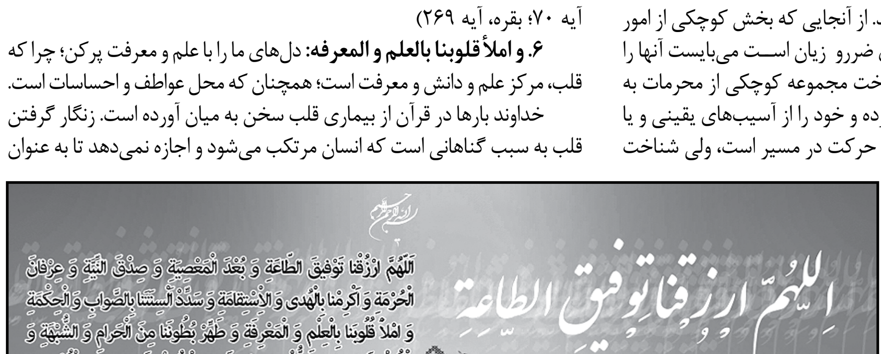
اِلهُم ارزقنا توفیق الطاعة
اَللّهُمَّ ارْزُقْنا تَوْفیقَ الطّاعَةِ وَ بُعْدَ الْمَعْصِیَةِ وَ صِدْقَ النِّیَّةِ وَ عِرْفانَ الْحُرْمَةِ وَ اَکْرِمْنا بِالْهُدی وَ الاِْسْتِقامَةِ وَ سَدِّدْ اَلْسِنَتَنا بِالصَّوابِ وَ الْحِکْمَةِ وَ امْلاَْ قُلُوبَنا بِالْعِلْمِ وَ الْمَعْرِفَةِ وَ طَهِّرْ بُطُونَنا مِنَ الْحَرامِ وَ الشُّبْهَةِ وَ اکْفُفْ اَیْدِیَنا عَنِ الظُّلْمِ وَ السَّرِقَةِ وَ اغْضُضْ اَبْصارَنا عَنِ الْفُجُورِ وَ الْخِیانَةِ وَ اسْدُدْ اَسْماعَنا عَنِ اللَّغْوِ وَ الْغیبَةِ وَ عَلَی الْمُتَعَلِّمینَ بِالْجُهْدِ وَ الرَّغْبَةِ وَ عَلَی الْمُسْتَمِعینَ بِالاِْتِّباعِ وَ الْمَوْعِظَةِ وَ عَلی مَرْضَی الْمُسْلِمینَ بِالشِّفاءِ وَ الرّاحَةِ وَ عَلی مَوْتاهُمْ بِالرَّاْفَةِ وَ الرَّحْمَةِ وَ عَلی مَشایِخِنا بِالْوَقارِ وَ السَّکینَةِ وَ عَلَی الشَّبابِ بِالاِْنابَةِ وَ التَّوْبَةِ وَ عَلَی النِّساءِ بِالْحَیاءِ وَ الْعِفَّةِ وَ عَلَی الاَْغْنِیاءِ بِالتَّواضُعِ وَ السَّعَةِ وَ عَلَی الْفُقَراءِ بِالصَّبْرِ وَ الْقَناعَةِ وَ عَلَی الْغُزاةِ بِالنَّصْرِ وَ الْغَلَبَةِ وَ عَلَی الاُْسَراءِ بِالْخَلاصِ وَ الرّاحَةِ وَ عَلَی الاُْمَراءِ بِالْعَدْلِ وَ الشَّفَقَةِ وَ عَلَی الرَّعِیَّةِ بِالاِْنْصافِ وَ حُسْنِ السّیرَةِ وَ بارِکْ لِلْحُجّاجِ وَ الزُّوّارِ فِی الزّادِ وَ النَّفَقَةِ وَ اقْضِ ما اَوْجَبْتَ عَلَیْهِمْ مِنَ الْحَجِّ وَ الْعُمْرَةِ بِفَضْلِکَ وَ رَحْمَتِکَ یا اَرْحَمَ الرّاحِمینَ
اللهم عجل لولیک الفرج

*** در برخی از روایات آمده است که زبان، بزرگ‌ترین دشمن بشر است. بسیاری از گرفتاری‌ها و بدبختی‌های انسان به سبب زبان است. کسی که زبان خود را نگه دارد و محکم سخن گوید خداوند بر زبان او قول صواب و حکمت را جاری می‌سازد.**

**۴- و اکرمنا بالهدی و الأستقامه:** در این عبارت به مسئولیتی اشاره شده است که می‌تواند زندگی انسان را متحول سازد؛ زیرا انسان پس از هبوط در دنیا، اگر بخواهد به کرامت انسانی خود بازگردد و خلافت الهی را به عهده گیرد، نیازمند هدایت الهی از طریق عقل و وحی است، زیرا شرایط زندگی دنیا می‌تواند عقل را با فجور و عصیان و گناه در پرده قرار داده یا ممهور کند.

بنابراین، خطر بزرگی که انسان را در دنیا تهدید می‌کند، فقدان هدایت عقلانی و وحیانی است. افزون بر این خطری که انسان بدان تهدید می‌شود، خطر عدم استقامت است. استقامت به معنای پایداری در مسیر قوام و راستی است. بسیاری از انسان‌ها گام‌هایی را برای خودسازی برمی‌دارند ولی هرگز به پایان نمی‌رسند و در میان راه یا خسته می‌شوند و یا بریده می‌گردند و یا برای رسیدن، گام‌هایشان سست می‌شود. فقدان عزم و استقامت، بزرگ‌ترین دشمن دیرین بشر بوده و هست. از این رو حضرت آدم(ع) به سبب همین فقدان عزم و استقامت در دام ابلیس گرفتار می‌شود. (طه، آیه ۱۱۵) و حضرت پیامبر(ص) هنگامی که مامور می‌شود تا خود و امت خویش را در مسیر استقامت نگه دارد، از این فرمان پیر می‌شود. (هود، آیه ۱۱۲) چرا که مسئولیت بزرگ و پرخطری است.

### مسئولیت‌های انسان در برابر اعضا و جوارح

از جمله مسئولیت‌های انسان مسئولیت در برابر اعضا و جوارح خودش است؛ زیرا این مسئولیت‌ها اگر به درستی اعمال شود، انسان فرصت رشد و کمال را به دست می‌آورد و می‌تواند به رسیدن به مقامات بلند انسانی امید داشته باشد. البته باید توجه داشت که هر عضوی همان اندازه که برای رساندن انسان به کمال نقش مهم و اساسی ایفا می‌کند مانند گوش و چشم که دانش‌های مفید را به انسان می‌دهد و ابزارهای مهم شناختی و معرفتی می‌باشد، همان اندازه خطرناک و خطرساز هم هست.

**۵. و سدد السنتنا بالصواب و الحکمه:** سداد و استحکام زبان در مسیر درستی و فرزانگی و هدفمندی از جمله مسائلی است که باید شخص بدان توجه داشته باشد. به این معنا که زبان برای این به انسان داده شده تا آنچه درست است را بگوید و از نادرستی پرهیز کند. مشکل زبان این است که با پرگویی، به نادرستی و بیهودگی می‌افتد و به جای آنکه سخنان مطابق با واقع و درست بر زبان آورد و به گوش دیگران برساند و زمینه رشد و بالندگی خود و دیگران را فراهم آورد، سخنان کذب و نادرست بر زبان می‌راند و یا به بیهودگی می‌افتد و سخنان حکیمانه بر آن جاری نمی‌شود که هدف مثبت و مفیدی را برساند. در برخی از روایات آمده است که زبان بزرگ‌ترین دشمن بشر است. بسیاری از گرفتاری‌ها و بدبختی‌های انسان به سبب زبان است. کسی که زبان خود را نگه دارد و محکم سخن گوید خداوند بر زبان او قول صواب و حکمت را جاری می‌سازد. (نساء، آیه ۹؛ احزاب، آیه ۷۰؛ بقره، آیه ۲۶۹)

**۶. و املأ قلوبنا بالعلم و المعرفه:** دل‌های ما را با علم و معرفت پرکن؛ چرا که قلب، مرکز علم و دانش و معرفت است؛ همچنان که محل عواطف و احساسات است.

خداوند بارها در قرآن از بیماری قلب سخن به میان آورده است. زنگار گرفتن قلب به سبب گناهانی است که انسان مرتکب می‌شود و اجازه نمی‌دهد تا به عنوان منبع شناخت و معرفت و علم و دانش شود. علم به معنای دانش به کلیات، و معرفت به معنای دانش به جزئیات نیاز انسان است تا مسیر خود را بشناسد و در آن مسیر حرکت کند و خود را به کمال مطلق برساند. اگر قلب انسان به علم ومعرفت پر نشود، زنگار می‌گیرد و از رشد و بالندگی باز میماند. بی‌گمان اصل انسانیت را باید در قلب او جست؛ زیرا همه اعضا و جوارح دیگر در خدمت قلب هستند. (بقره، آیات ۷ و ۱۰ و ۷۴ و ۸۸؛ اعراف، آیات ۱۷۹ و ۱۹۵) اگر انسان بتواند قلب خود را مدیریت کند همه اعضا و جوارح خود را مدیریت کرده است و از جهل و نادانی گریخته و به بصیرت دست یافته است. کسانی به این علم و معرفت می‌رسند که دارای تقوا باشند. (بقره، آیه ۲۸۲ و آیات دیگر)

**۷. و طهر بطوننا من الحرام و الشبهه:** شکم‌های ما را از حرام و شبهات پاک گردان؛ زیرا اگر به حرام و غذاهای شبهه‌ناک نزدیک شویم، همه وجود ما آلوده به زنگار می‌شود و دیگر توانایی تشخیص حق از باطل و خوب از بد را از دست می‌دهیم؛ چرا که لقمه به شکل خون در همه اعضای بدن ما حرکت می‌کند و مغز و قلب ما را تحت تاثیر خود قرار می‌دهد. غذای آلوده، فکر آلوده و پلید را می‌سازد و قلب را مریض می‌کند و عقل را از انسان می‌گیرد. بنابراین، خطری که شکم را به عنوان یک عضو انسانی تهدیدمی‌کند، حرام و شبهه است.(نساء، آیه ۱۰)

**۸. و اکفف ایدینا عن‌الظلم و السرقه:** دست‌های ما را از ظلم و سرقت باز دار؛ چرا که دست‌ها همواره به تجاوز به حقوق دیگران خو می‌گیرد و این بزرگ‌ترین خطری است که دستان ما را تهدید می‌کند. انسانی که به ظلم و سرقت خو گیرد، وجودش را از غذاهای حرام انباشته می‌کند و اجازه نمی‌دهد تا در مسیر کمال رشد و بالندگی خود قرار گیرد.

**۹. و اغضض ابصارنا عن الفجور و الخیانه:** چشم‌های ما را از فجور و خیانت بپوشان؛ زیرا چشم اگر عادت کند تا به هر چیزی بنگرد و پرده‌های حیا و عفت را بشکافد و با چشم‌چرانی، راه خیانت را بپیماید، در حرام میافتد که جز خواری و ذلت و شقاوت چیزی را به همراه نخواهد داشت. از این رو خداوند از پوشاندن چشمان از فجور وخیانت بارها سخن می‌گوید و در قرآن بدان دعوت می‌کند؛ (مومنون، آیات ۶ و ۷ و آیات دیگر) چرا که سلامت چشم، سلامت قلب را به همراه خواهد داشت؛ چنان که سلامت شکم از غذاهای حرام و سلامت قلب و جان و روان آدمی را به دنبال دارد.

*** دنیاطلبی و رغبت باطنی به آنچه وابسته به دنیاست، بزرگترین آفت دانشمندان است. لذا آنان باید بکوشند تا ملکه زهد و بی‌رغبتی به زینتهای حقیقی و اعتباری دنیا را در خویش تقویت کنند. به گونه‌ای که در باطن به دنیا و متعلقاتش بی‌میل شوند و زندگی دنیا را جز برای آبادساختن آخرت نخواهند و بدین وسیله زمینه‌ساز اصلاح خویش و رفتار مردم منتظر باشند.**

**۱۰. و اسدد اسماعنا عن اللغو و الغیبه:** استحکام و استواری گوش از لغو وغیبت یکی دیگر از مسئولیتهای بشر در برابر اعضای خود است. انسان مسئول است تا به جای لغو و بیهوده، گوش خود را با حکمت و سخنان مفید پر کند و اجازه ندهد تا غیبت بشنود و مطالب نادرست و درست درباره دیگران که ایشان را ناخوش می‌آید بشنود و دل را بدان کدر و تیره سازد. (مومنون، آیه۳؛ حجرات، آیه ۱۲)

### مسئولیت‌های انسان در برابر اقشار مردم

افزون بر مسئولیت‌های کلانی که انسان در برابر خدا و اعضا و جوارح خود دارد، مسئولیت‌هایی هم در برابر دیگران دارد. این مسئولیت‌ها متوجه شخص به عنوان نقش اجتماعی که به عهده دارد می‌باشد. به سخن دیگر، هر انسانی با توجه به نقش و مسئولیت‌های اجتماعی، مسئولیت‌هایی در برابر دیگران دارد که می‌بایست به درستی انجام دهد؛ در اینجا به برخی از مسئولیتها و نقش‌های انسان در حوزه عمل اجتماعی ونیز خطراتی که این نقش‌ها را تهدید می‌کند اشاره می‌شود:

**۱۱- و علی‌المتعلمین بالجهد و الرغبه:** کسی که در مقام تعلم و کسب دانش است هزگز نباید از جهاد علمی که جهاد کبیر است دست بر دارد (فرقان، آیه ۵۲) و در این راه همواره باید با انگیزه‌های غیرمادی و دست‌یابی به حکمت هستی و انسان تلاش و کوشش کند. بنابراین، خطری که متوجه این صنف از مردمان یعنی دانش‌جویان و دانش‌پژوهان است، تنبلی و تکاسل در کنار بی‌انگیزگی و بی‌هدفی است.

**۱۲- و علی المستمعین بالاتباع و الموعظه:** شنوندگان می‌بایست سخن حق را بپذیرند و از آن پیروی کرده و از نکات آموزنده و پندآموز آن درس زندگی بگیرند. کسی که تنها گوش می‌دهد ولی جان و دلش تحت تاثیر شنیده‌های حق قرار نمی‌گیرد و به جای پند و اندرز گرفتن به مخالفت می‌پردازد، چنین شیوه نادرست، او را به هلاکت می‌اندازد. یهودیان این گونه بودند که سخنان را می‌شنیدند و به جای پندپذیری و پیروی، به مخالفت با آن می‌پرداختند. (بقره، آیه ۱۰۴؛ نساء، آیه ۶۴)

**۱۳- و علی العلماء بالزهد و النصیحه:** دنیاطلبی و رغبت باطنی به آنچه وابسته به دنیاست، بزرگ ترین آفت دانشمندان است. لذا آنان باید بکوشند تا ملکه زهد و بی‌رغبتی به زینتهای حقیقی و اعتباری دنیا را در خویش تقویت کنند، به گونه‌ای که در باطن به دنیا و متعلقاتش بی‌میل شوند و زندگی دنیا را جز برای آبادساختن آخرت نخواهند و بدین وسیله زمینه‌ساز اصلاح خویش و رفتار مردم منتظر باشند. واژه «نصح» به معنی خلوص تمام و نزاهت از هر شائبه و ناخالصی است. از این بخش نورانی چنین برمی‌آید که دانشمندان باید هم در اندیشه و قول و فعل خویش از هر شائبه آلوده‌کننده‌ای پیراسته باشند و هم با یکرنگی و خلوص، خیرخواه امت باشند و جز به خیر و صلاح آنان نیندیشند، سخن نگویند و کار نکنند. چنین عالمانی از انتظار راستین برخوردارند، زیرا امام منتظر آنان در زهد و نصیحت برترین انسان عصر خویش است و آن کس که با امامش سنخیت ندارد، منتظر او نیست.

**۱۴- و علی مرضی المسلمین بالشفاء و الراحه:** مسلمان اگر بخواهد به مسئولیت‌های فردی و اجتماعی و دینی خود عمل کند نیازمند سلامت و آسایش و آرامش است. از این رو خداوند به مسلمان این امکان را بخشیده است تا در سلامت و آرامش و آسایش به خدمت خدا و خلق مشغول شود. اما کسی که مریض است و از آرامش و آسایش برخوردار نمی‌باشد نمی‌تواند مسئولیت‌های فردی و اجتماعی و عبادی و غیرعبادی خود را انجام دهد. از این روست که بزرگ‌ترین نعمت، سلامت و راحتی دانسته شده است. دولت اسلامی وظیفه دارد شرایط را به گونه‌ای فراهم آورد تا مسلمانان در بهترین حالت از سلامت جسمی و روحی و روانی باشند تا بتوانند به مسئولیت‌های انسانی خود عمل کنند.

**۱۵- و علی موتاهم بالرأفه و الرحمه:** تکریم و حرمت مردگان می‌بایست در دستور کار انسان و جامعه اسلامی باشد؛ زیرا هرگونه کوتاهی در حق ایشان به معنی نادیده گرفتن حقوق انسانی زندگان نیز می‌باشد. ارتباط روحی میان زندگان و مردگان در جامعه اسلامی به گونه‌ای است که نمی‌توان مردگان را به معنای واقعی، نیست شده دانست بلکه حضور آنان به ویژه مخلصان و عباد صالح و شهیدان و عالمان در زندگی زندگان امری انکارناپذیر است. بنابراین دعا در حق ایشان به عنوان رأفت و رحمت، در حقیقت پذیرش حضور آنان در زندگی زندگان و تأثیرپذیری از آنهاست.

**۱۶- و علی مشایخنا بالوقار و السکینه:** خطری که پیران را تهدید می‌کند، فقدان وقار و سکونت و آرامش است. بنابراین لازم است تاانسان در هنگام پیری توجه بیشتری به مسئله وقار و سکونت خود داشته باشد و به کوچک‌ترین چیزی از کوره در نرود و خشم نگیرد. سنگینی و وقار در پیران می‌تواند باعث حفظ حرمت و تکریم آنان شود و از پرخاشگری و اهانت جوانان درامان باشند هرچند که بر جوانان و فرزندان است که نسبت به پیران و والدین تکریم و احسان کنند ولی بر پیران است تا خود شخصیت خود را حفظ کرده و با وقار و سنگینی در جامعه زندگی کنند و به کوچک‌ترین امری خشمگین نشوند و بهانه‌گیری نکنند. وقار به معنای متانت و سنگینی و در برابر خفت و سبکی است. براساس این بخش از دعای نورانی ولی‌عصر(عج) بر کهنسالان بایسته است در اندیشه و عمل، متانت خویش را حفظ کنند و از هر عملی که از قدر و قیمت آنها بکاهد و جایگاهشان را پایین آورد بپرهیزند. همچنین بر آنان است که سکینه را در پیش گیرند. سکینه همان استقرار و آرامش جسمی و روحی است. اگرچه اقتضای طبیعت کهنسالی کم‌صبری و بی‌قراری است، اما بر پیران منتظر امام غایب شایسته و بایسته است تا به هنگام غضب و یا هر زمینه تحریکی دیگری که آنان رابه اضطراب و بی‌ثباتی در گفتار و رفتار می‌کشاند، آرامش و وزانت خویش را حفظ کنند.

**۱۷- و علی‌الشباب بالانابة و التوبه:** جوانان درمعرض گناه و فجور بیشتری هستند؛ زیرا زمان جوانی اوج رشد و شکوفایی جنسی و غیرجنسی می‌باشد و قوای جسمی ایشان بیشترین فعالیت و تحرک را دارد. بنابراین بر جوانان است که همواره هوشیار باشند و به توبه و بازگشت به درگاه خدا بیندیشند و هرگاه مرتکب خطا و اشتباه و گناهی شدند به درگاه خداوند بازگردند.

**۱۸- و علی النساء بالحیاء و العفة:** زنان در معرض خطر بی‌حیایی و بی‌عفتی هستند. بنابراین لازم است تا به این دو مسئله توجه بیشتری کنند. سلامت زنان در حیا و عفتشان است و آنها اگر خود را حفظ کنند جامعه نیز سلامت می‌یابد و مشکلات بسیاری از جامعه رخت می‌بندد؛ اگر جامعه زنان خود را نگه دارد و از حجاب و مانند آن بهره گیرد می‌توان امید داشت که از سلامت جامعه برخوردار خواهیم بود.

**۱۹- و علی الاغنیاء بالتواضع و السعه:** مشکل و آفت اساسی ثروتمندان، تکبر و بخل ایشان است. از این رو خواهان تواضع و فروتنی و دست و دلبازی آنان می‌شود. اگر ثروتمندان تواضع کنندو تکبر را کنار بگذارند و حق مردم تهی‌دست و نیازمند را از وسعت روزی خویش بدهند، دل‌های ایشان نیز وسیع می‌شود. سعه در این جا به معنای دست و دلبازی و عدم بخل و خساست است.

**۲۰- و علی الفقراء بالصبر و القناعه:** از سوی دیگران بزرگ‌ترین خطری که فقیران با آن مواجه هستند، فقدان صبر و قناعت است. نداشتن صبر موجب می‌شود که نسبت به خداوند گستاخ شوند و حتی خود را به تکدی‌گری زده و ذلت و خواری را بپذیرند. قناعت و بهره‌مندی از داشته‌ها بی‌توجه به داشته‌های دیگران می‌تواند ایشان را به سلامت نگه دارد و موجب کفرشان نشود؛ زیرا نزدیک است که فقر به سبب همین فقدان صبر و قناعت به کفر و خواری انسان بکشد.

**۲۱- و علی الغزاة بالنصر و الغلبه:** رزمندگان خواهان پیروزی و چیرگی بر دشمنان هستند، ولی باید توجه داشته باشند که پیروزی و غلبه تنها در سایه وحدت و ایمان خواهد بود.

**۲۲- و علی الاسراء بالخلاص و الراحه:** اسیران و شاید زندانیان غیرعمد نیازمند رهایی و راحتی از اسارت و زندان دشمن و بازگشت به خانه خود هستند. توجه به اسیران جامعه می‌بایست در دستور کار باشد و هرگز جامعه اسیران خود را از یاد نبرد.

**۲۳- و علی الامراء بالعدل و الشفقه:** مشکل و خطر بزرگی که قشر رهبران و مدیران ارشد کشوری را تهدید می‌کند، ظلم و بی‌رحمی است. بنابراین باید همواره با عدالت و شفقت نسبت به مردم رفتار کنند و خود را از ظلم و بی‌رحمی در حق ملت دور نگه دارند.

**۲۴- و علی الرعیه بالانصاف و حسن السیره:** مشکل ملت‌ها در برابر رهبران سیاسی و اجتماعی خود این است که بیرون از دایره انصاف داوری می‌کنند و برخلاف سیره عقلایی و چارچوب‌های قانونی رفتار می نمایند. از این رو قضاوت‌های آنان بعضا بسیار بد و نادرست است و به توانایی و ظرفیت کشوری و مدیریتی رهبران توجه نمی‌کنند و خواهان عدالت فوری و تمام و کمال هستند بی‌آنکه در تحقق آن خود مشارکت سازنده و فعالی داشته باشند. قوانین و مقررات را دور می‌زنند و امید دارند که قانون همه جادر حق دیگران اعمال شود و خود آن را دور بزنند و در سایه همین رفتار ناپسند و سیره نادرست، به همه امیدها و آرزوهای خودشان برسند. درحالی که راه رسیدن به سعادت جمعی، ارزیابی دقیق از داشته‌ها و داده‌ها و رفتار و سلوک خود به عنوان عضوی از جامعه است. مشارکت فعال در اجرای قوانین و مقررات و انصاف و داوری مبتنی بر ظرفیت‌ها و امکانات می‌تواند جامعه را به سوی رشد و شکوفایی حرکت دهد.

**۲۵- و بارک للحجاج و الزوار فی الزاد و النفقه:** لازم است تا درباره گردشگران دینی توجه خاص شود و شرایط زیستی و محیطی خاصی برای عبادت ایشان فراهم آید. حضور در اماکن ناشناخته و سفر در مسیرهای پر خطر نیازمند آن است که توجه خاصی به گردشگران و مسافران دینی شود و همواره زاد و توشه آنان بررسی و در صورت کمبود جبران شود.

**۲۶- و اقض ما اوجبت علیهم من الحج و العمره بفضلک و رحمتک یا ارحم الراحمین.** همه ما نیازمند سفرهای زیارتی و رسیدن به مقصد عظمای الهی هستیم. مکه نشانه ای برای مقصد انسانی است که می‌بایست همواره مورد توجه باشد و رسیدن به خانه خدا را به عنوان رسیدن به خدا در دستور کار قرار دهیم.

---

# مقابله قرآن با تفکر جدایی دین از سیاست

**■ سلمان باقری**

**از نظر آموزه‌های قرآنی، دین مجموعه‌ای از آموزه‌های وحیانی است که تمامی زندگی بشر را سامان می‌دهد و او را به سمت خوشبختی و سعادت ابدی در دنیا و آخرت رهنمون می‌سازد. بینش و نگرش قرآنی بر آن است تا انسان را با هستی‌شناسی و جهان‌بینی و سبک زندگی اسلامی تربیت کند. لذا از پیش از تولد برای انسان برنامه‌های مشخصی را تعیین و تشریع کرده است. بر این اساس، هیچ چیزی را نمی توان در زندگی انسان یافت که اسلام در آن حوزه سخن و برنامه و تکلیفی نداشته باشد.**

**سیاست نیز بخشی از زندگی اجتماعی هر انسانی را تشکیل می‌دهد و اسلام و قرآن در این حوزه در چارچوب اهداف کلان آفرینش انسان برنامه‌ها و تکالیفی را دارد. نویسنده در این مطلب کوشیده تا نشان دهد که تفکر جدایی دین از سیاست و سکولاری کردن جامعه اسلامی چیزی جز خروج از دایره اسلام نیست و کسی نمی تواند مدعی اسلام و مسلمانی باشد اما بخشی از زندگی او چون حوزه سیاست در چارچوب نظام سیاسی اسلام سامان نیافته باشد.**

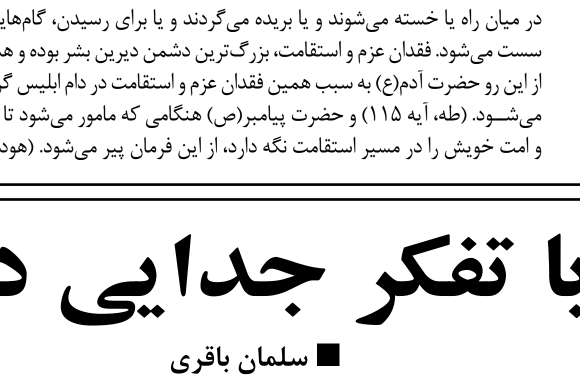
آیت‌الله مدرس
دیانت ما عین سیاست ما و سیاست ما عین دیانت ما

*** فقه اسلامی با تمام ابواب، برای تشکیل حکومت اسلامی کار «تفکیک قوا» را انجام می‌دهد تا انسان سیاست زده نشود. فقه اسلامی سیاست و قدرت را تعدیل می‌کند و به آن قداست می‌بخشد. کسی که مسئله «قضاء» را در عصر غیبت پذیرفت، چاره‌ای ندارد جز آنکه مسئله حکومت دینی و مسئله ولایت فقیه را بپذیرد و مسئله قضا را تمام علماء پذیرفته‌اند. پس نمی‌شود مسئله «قضاء» را پذیرفت ولی حکومت دینی و ولایت فقیه را نپذیرفت.**

### قرآن، جوامع الکلم

پیامبر(ص) در عبارتی می‌فرمایند: اوتیت جوامع الکلم و انت یا علی! قد اعطیت جوامع الکلم، به من کلمات جامع داده شد و به تو ای علی! هم کلمات جامع بخشیده شده است. (بحارالانوار، ج ۳۹، ص ۷۶)

سخنان جامع، کلماتی است که در کمترین حروف، بیشترین بار معنایی را دارد. این کلمات را باید همانند اصول و قواعد کلیدی دانست که با بیان آن یک مجموعه فکری و نظام اندیشه‌ای گفته می‌شود. کلمات جامع، کلمات در بردارنده‌ای هستند که همه شئون دنیوی و اخروی بشر را بیان می‌کنند. این کلمات جامع، همان معارف برین و برترینی است که وظایف فرد و جامعه، وظایف دنیا و آخرت، وظایف دولت و ملت، روابط محلی، منطقه‌ای و بین‌المللی و بالاخره وظایف ملک و ملکوت انسان را تبیین کرده است.

قرآن همان جوامع الکلم است، زیرا به گونه‌ای است که همه نیازهای بشر را برای رسیدن به خوشبختی در دنیا و آخرت بیان کرده است. خداوند در آیاتی از قرآن از جمله آیه ۸۹ سوره نحل می‌فرماید: «ونزلنا علیک الکتاب تبیانا لکل شیء، ما کتاب را بر تو نازل کردیم که بیان‌کننده هر چیزی است. بنابراین، چیزی از نیازهای بشری نیست که در قرآن بیان نشده باشد. این بیان به شکلی است که در عبارتی کوتاه بسیاری از مباحث و مطالب بیان شده و با تفقه و تدبر در آن می‌توان پاسخ به پرسش‌ها را رمزگشایی کرد.

در روایات آمده که قرآن همانند خورشیدی است که هر روز سخنی تازه برای مردم دارد و مردم می‌توانند از این خورشید تابناک برای هدایت و رسیدن به مقام خلافت الهی بر هستی بهره برند. امام صادق(ع) در این باره می‌فرماید: القرآن یجری کما تجری الشمس و القمر، قرآن همان خورشید و ماه در جریان است. (کافی، ج۴، ص ۵۴، بحارالانوار، ج۲۳، ص ۱۹۷ و نیز ج۶۶، ص ۲۶۱)

پس کاری که باید انجام شود اینکه موارد بر اصول قرآن عرضه و تطبیق داده شود تا حکم حق از قرآن در آن باره به دست آید.

### قرآن علیه سکولاریزم

براساس آنچه بیان شد، یکی از حوزه‌های مبارزه قرآن، حوزه سیاست و حکومت است، زیرا برخی بر آن بودند تا دین را تنها در محدوده اعمال فردی و شخصی و عبادی محصور کنند، در حالی که اسلام اگر چه اصالت را به آخرت می‌دهد و سعادت اخروی را همان حیات و زندگی برتر و طیب معرفی می‌کند ( عنکبوت، آیه ۶۴ و آیات دیگر) ولی سعادت دنیوی را زمینه‌ساز سعادت اخروی می‌داند، زیرا سازه‌های اخروی انسان چیزی جز اعمال صالح و ایمان او در دنیا نیست، چرا که «الدنیا مزرعه الاخره، دنیا کشتزار آخرت است». از همین رو فلسفه ارسال رسولان و انزال کتب را دست‌یابی انسان به زندگی عدالت محوری می‌داند که انسان در همین دنیا آن را تحقق می‌بخشد و از طریق آن، آخرت خود را می‌سازد. (حدید، آیه ۲۵)

از آنجایی که حوزه اجتماعی، تاثیرگذارترین حوزه در زندگی انسان و سعادت و شقاوت اوست (نوح، آیه ۲۷) خداوند به این حوزه توجه ویژه کرده است لذا در احکام اسلامی حتی در حوزه عبادی و شخصی جلوه‌ای از امور اجتماعی در آن مشهود است. به عنوان نمونه نماز که یک برنامه شخصی و عبادی در ارتباط با عبد و معبود است، در شکل اجتماعی و جمعی آن برتری یافته و نمازجماعت مقدم بر نماز فردی دانسته شده است.

بسیاری از احکام اسلامی از جمله زکات، جهاد، خمس، نمازجمعه، حج و مانند آن، جنبه اجتماعی دارد. بنابراین، نمی‌توان به هیچ شکلی حوزه عمل اجتماعی و سیاسی را از دین اسلام جدا دانست.

*** اهدافی که قرآن برای حکومت صالح و مؤمنان بیان می‌کند، خود بهترین دلیل بر مبارزه قرآن با تفکر سکولار و جدایی دین از سیاست در اسلام است. خداوند در آیات قرآنی از مسلمانان می‌خواهد تا حکومت اسلامی را به هدف حاکمیت دین اسلام ، شرک‌ستیزی ، ایجاد امنیت ، اقامه نماز ، امر به معروف و نهی از منکر، پرداخت زکات و ایجاد عدالت محسوس و ملموس و مانند آن ایجاد کنند.**

کسانی در جوامع پیشین می‌کوشیدند تا دین را به حوزه عمل شخصی و اخروی محدود سازند و به یک معنا دایره تاثیرگذاری دین را تضعیف کرده و اجازه ندهند تا اهداف هدایتی دین از طریق حضور جدی در همه زندگی بشر تحقق یابد. اما اسلام به شدت علیه چنین تفکری موضع‌گیری کرده است.

خداوند در آیاتی چند اطاعت از پیامبر(ص) را نه تنها در امور عبادی واجب می‌داند، بلکه بر وجوب اطاعت از پیامبر(ص) در همه زندگی تاکید کرده و ضمن معرفی ایشان به عنوان اسوه حسنه کامل (احزاب، آیه ۲۱) تقدم قول و فعل پیامبر(ص) را بر رای و اندیشه و حتی جان و مال مومنان اثبات کرده (احزاب، آیه۶) و امر و نهی آن حضرت(ص) را در هر کاری همانند امر و نهی خدا دانسته است. (حشر، آیه۷، آل عمران، آیات ۳۲ و ۱۳۲ و آیات دیگر)

هر فرد از امت اسلام در هر کار اجتماعی و سیاسی می‌بایست پیرو فرمان پیامبر(ص) به عنوان رهبر جامعه اسلامی باشد و در هر جایی که شک و تردیدی است باید با رجوع به پیامبر(ص) و پس از اتخاذ دستور، اقدام کرد. (نساء، آیه ۵۹)

اصولا از نظر قرآن، حکم و حکومت و ولایت تنها از آن خداوند است و هیچ‌کس در حوزه زندگی بشر اختیار قانونگذاری و حکم را ندارد. (انعام، آیه ۵۷)

فقه اسلامی با تمام ابواب، برای تشکیل حکومت اسلامی کار «تفکیک قوا» را انجام می‌دهد تا انسان سیاست زده نشود. فقه اسلامی سیاست و قدرت را تعدیل می‌کند و به آن قداست می‌بخشد. کسی که مسئله «قضاء» را در عصر غیبت پذیرفت، چاره‌ای ندارد جز آنکه مسئله حکومت دینی و مسئله ولایت فقیه را بپذیرد و مسئله قضا را تمام علماء پذیرفته‌اند. پس نمی‌شود مسئله «قضاء» را پذیرفت ولی حکومت دینی و ولایت فقیه را نپذیرفت. (جوادی آملی، عبدالله، خارج فقه، پلورالیسم، ۸۰/۱/۱)

خداوند در آیاتی از جمله ۱۰۵ سوره انبیاء از حکومت جهانی و حاکمیت صالحان در آخر زمان سخن به میان می‌آورد و به عنوان یک سنت الهی در فلسفه تاریخ، حکومت ایشان را تحقق یافتنی معرفی می‌کند. این بدان معناست که حکومت صالحان یک خواسته اصلی برای خداوند و مؤمنان است و تلاش برای تحقق آن نیز خواسته خداوندی است. بنابراین، این یک اصل اصیل در آموزه‌های قرآنی است که صالحان، حکومتی را تشکیل دهند تا از این طریق آرمان و آرزوی دیرین بشری برای حکومت عدالت‌محور فراهم آید.

اینکه خداوند در همه کتب الهی پیشین نوید تحقق چنین دولت و حکومت و حاکمیتی را می‌دهد، به این معناست که خواسته دیرین مؤمنان در طول تاریخ ایجاد چنین حکومتی بوده است. از آیات ۱۰۵ تا ۱۰۷ سوره انبیاء به دست می‌آید که تحقق حکومت جهانی صالحان، در پرتو اسلام و رسالت پیامبر اکرم(ص) خواهد بود. این بدان معناست که خداوند بر جنبه سیاسی اسلام تأکید دارد و هرگونه اندیشه جدایی دین اسلام از سیاست را نه تنها نادرست بلکه خلاف آرمان‌های بشری و سنت الهی می‌داند که برای تاریخ بشر رقم زده است.

همچنین از آیات ۵۵ تا ۵۷ سوره نور این معنا استنباط می‌شود که کافران و دشمنان می‌کوشند تا چنین حکومت عادل و صالحی در جهان تحقق نیابد ولی کافران از جلوگیری از تحقق وعده الهی ناتوان خواهند شد و آنان نمی‌توانند از حاکمیت فراگیر مؤمنان صالح جلوگیری به عمل آورند.

اصولا خداوند خواهان حکومت اسلامی و حاکمیت صالحان است و هرگونه حکومت غیراسلامی و صالح را به معنای حکومت طاغوت معرفی می‌کند و اجازه نمی‌دهد تا کسی طاغوت شود یا همراه طاغوت گردد و بخواهد حکومت غیراسلامی را ایجاد کند و قوانین خود ساخته‌ای را بر جامعه و انسان حاکم سازد؛ زیرا از نظر قرآن حکومت‌های غیراسلامی و طاغوتی جوامع را به تباهی و بی‌عدالتی و فساد می‌کشانند. (بقره، آیه ۲۵۷)

از نظر قرآن هر جایی که حکومتی جائر و ظالم و طاغوتی بر سر کار آمد خود بیانگر آن است که آن مردم از دایره اسلام و دین خارج شده و راه ظلم را در پیش گرفتند که حکومت‌های طاغوتی بر ایشان مسلط شده‌اند. (انعام، آیات ۶۵ و ۱۲۹)

حکومت صالح، حکومتی چون حکومت پیامبر(ص) است که مردم را به اسلام و عدالت دعوت کرده و قسط را در میان آنان به اجرا درمی‌آورد و به عدالت حکم می‌کرد. آن حضرت(ص) خود صاحب اختیار حکومت بود و به حکم الهی و فرمان خداوندی در همه امور اجتماعی و سیاسی و قضایی وارد می‌شد. (توبه، آیه ۸۶؛ نور، آیات ۵۳ و ۵۴ و ۵۶ و ۶۲؛ احزاب، آیه ۱۳؛ محمد، آیه ۳۳)

حکومت ایشان به گونه‌ای مطلقه بود که هیچ‌کس پس از حکم و تصمیم رسمی ایشان اختیار سخن و عمل دیگر نداشت (احزاب، آیه ۳۶) و همه مسلمانان موظف بودند در همه مسایل حتی امور اجتماعی و سیاسی و بلکه شخصی از ایشان اطاعت کنند (نساء، آیه ۵۹؛ مائده، آیه ۹۲) و سخن ایشان در همه امور از جمله مسایل شخصی و اقتصادی و نظامی، فصل‌الخطاب بود (نساء، آیات ۵۹ و ۶۵؛ حشر، آیات ۶ و ۷؛ توبه، آیه ۱۰۳) و اگر کسی می‌خواست از مسئولیتی اجتماعی و سیاسی و اقتصادی و مانند آن کناره‌گیری کند باید از پیامبر(ص) اذن می‌گرفت. (نور، آیه ۶۲)

بنابراین، همه موظف بودند تا در حوزه سیاسی مشارکت فعالانه داشته باشند و هیچ‌کس مجاز نبود از مسایل اجتماعی و سیاسی و مانند آن شانه خالی کند و تکالیف سیاسی و اجتماعی خود را انجام ندهد و ترک نقش اجتماعی کند.

*** از آیات ۱۰۵ تا ۱۰۷ سوره انبیاء به دست می‌آید که تحقق حکومت جهانی صالحان، در پرتو اسلام و رسالت پیامبر اکرم(ص) خواهد بود. این بدان معناست که خداوند بر جنبه سیاسی اسلام تأکید دارد و هرگونه اندیشه جدایی دین اسلام از سیاست را نه تنها نادرست بلکه خلاف آرمان‌های بشری و سنت الهی می‌داند که برای تاریخ بشر رقم زده است.**

همچنین اگر پیامبر(ص) موظف به مشاورت با مردم بود، این بدان معنا نبود که این مشاورت در حوزه قانونگذاری باشد، بلکه در حوزه چگونگی عمل به قانون الهی بود. بنابراین، حتی در این حوزه هم لازم است که مردم به هر تصمیمی که رهبری می‌گیرد گردن نهند و اطاعت محض نمایند تا از هرج و مرج در حوزه عمل سیاسی جلوگیری شود. (آل‌عمران، آیه ۱۵۹)

ایجاد حکومت صالح و اسلامی وظیفه همگانی است تا از هرگونه حکومت طاغوتی و استبدادی جلوگیری شود و اجازه داده نشود تا حکومت‌های طاغوتی مدیریت جامعه را به عهده گیرند. براساس آیه ۲۸ سوره فرقان مؤمنان و مسلمانان می‌بایست با نفوذ به مراکز قدرت و حکومتهای مستبد و مستکبر به منظور رساندن پیام الهی به آنان و دفاع از حق، در ایجاد نظم نوین جهانی مبتنی بر عدالت و اسلام اقدام کنند. این نفوذ باتوجه به ویژگی‌های حکومت‌ها، می‌تواند علنی یا مخفی و مبتنی بر پایه اصل اساسی تقیه باشد.

اهدافی که قرآن برای حکومت صالح و مؤمنان بیان می‌کند، خود بهترین دلیل بر مبارزه قرآن با تفکر سکولار و جدایی دین از سیاست در اسلام است. خداوند در آیات قرآنی از مسلمانان می‌خواهد تا حکومت اسلامی را به هدف حاکمیت دین اسلام (نور، آیه ۵۵)، شرک‌ستیزی (همان)، ایجاد امنیت (نور، آیه ۵۵)، اقامه نماز (حج، آیه ۴۱)، امر به معروف و نهی از منکر (همان)، پرداخت زکات و ایجاد عدالت محسوس و ملموس (حج، آیه ۴۱) و مانند آن ایجاد کنند.

### ضرورت تشکیل دولت و حکومت از نظر قرآن

چنانکه از مطالب پیشین به دست آمد ازمنظر قرآن کریم، دولت و حکومت اسلامی امری است که در ذات دیانت اسلام نهفته است. از دیدگاه قرآن کریم به سه دلیل حکومت برای مردم ضرورت دارد:

**۱- رهایی ازهرج و مرج:** در داستان بنی‌اسرائیل می‌خوانیم، هنگامی که بر اثر هرج و مرج داخلی و نداشتن حاکمیت قوی و لایق، گرفتار ضعف و فتور و شکست شدند و دشمنان بر آنان مسلط گشتند، خداوند طالوت را برای رهایی از هرج و مرج اجتماعی حاکم ایشان کرد. امیرمومنان علی(ع) می‌فرماید: لازم است تا برای مردم امیری ولو جابر حاکم باشد؛ زیرا اگر چنین نباشد جامعه‌های بشری نابود می‌شود. **۲- جلوگیری از فساد و ایجاد نظم و امنیت در جامعه:** اگر حکومت مقتدر و نیرومندی نباشد و جلوی سرکشان را نگیرد، زمین پر از فساد می‌شود. **۳- آسایش و رفاه اجتماعی و امنیت داخلی و خارجی:** از احکام جهاد در قرآن برمی‌آید که وجود تشکیلات منظم سیاسی و اجتماعی لازم است تا از مرزهای جامعه در برابر دشمنان محافظت کند. در مسائل اقتصادی نیز لازم است حکومتی باشد تا قسط و عدالت را اجرایی کند. همچنین قوه قضایی که اختلاف را حل و فصل کرده و از تجاوز و تعدی میان افراد جامعه جلوگیری به عمل آورد. در رابطه بااهداف حکومت اسلامی نیز آیات و روایات زیادی وارد شده است که از جمله به آیه ۲۱ و ۵۶ از سوره یوسف و آیه ۸۴ از سوره کهف، آیه ۵۵ از سوره نور، آیه ۲۶ از سوره ص، آیه ۵۸ از سوره نساء می‌توان اشاره کرد.